

ادب

ویژه فرهنگ و معارف رضوی | سال اول | ویژه نامه ۱۸۹

گفت و گو با حجت الاسلام شهابت درباره چهارشنبه‌های امام رضایی



من که کبوتر دلم

انس گرفته بارضا علیه السلام

۲

با حمایت شرکت فناوری و نوآوری رضوی ساخته شد

سامانه ایرانی پایش هوشمند بیمار

۴

روایتی از طرح «امام روستا» که در مناطق محروم در حال پیاده‌سازی است

فراتر از پیشنهاد

۳

دیدگاه

چه کسی گفته ازدواج باید با عشق شروع شود؟

۲

رونمایی از قرآن نفیس با دستخط استاد آذرنگ

۴

خبر

تولیت آستان مقدس عبدالعظیم حسنی (ع) خبر داد

کشف نسخه احادیث امام علی علیه السلام در یمن

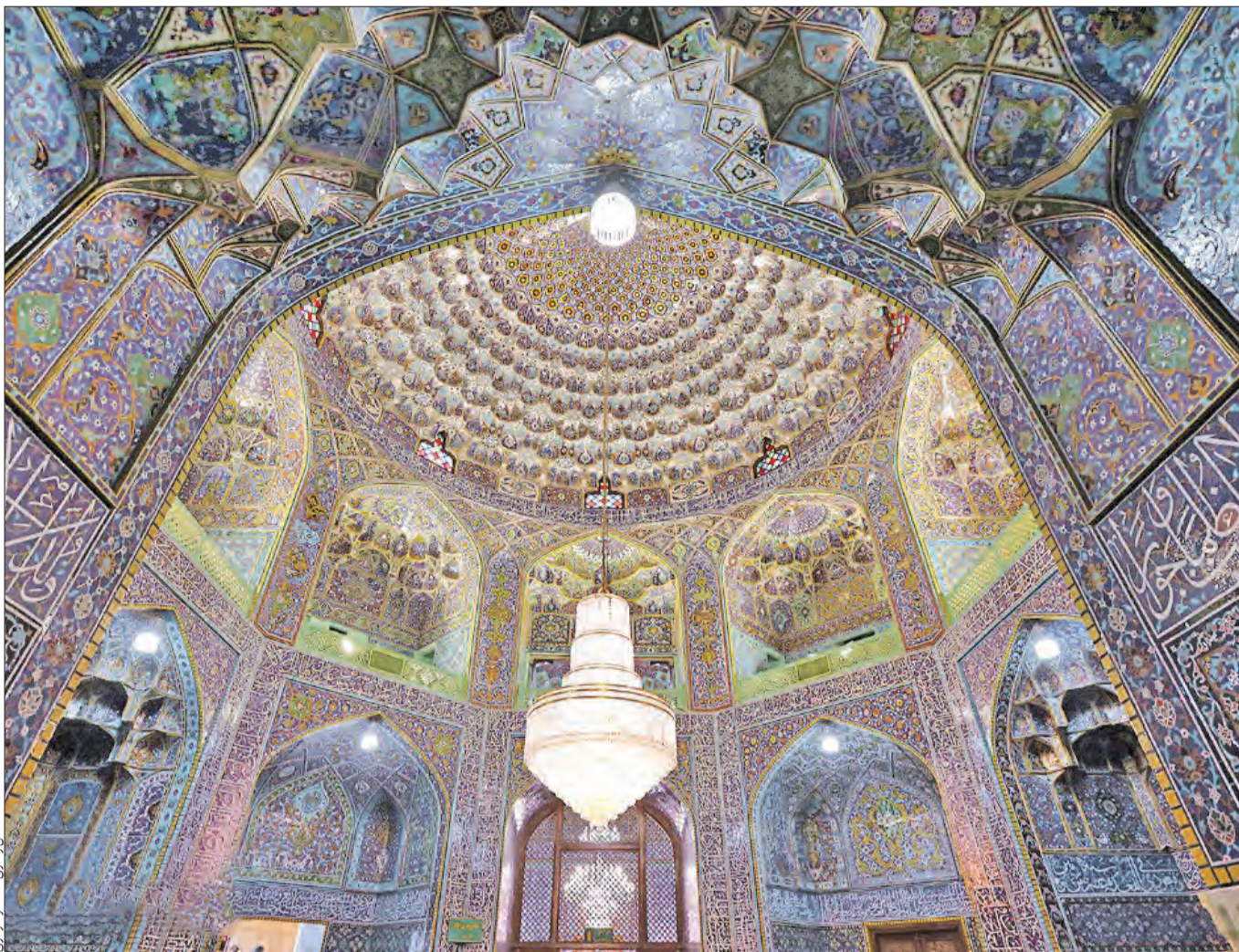


آیت‌الله محمدی ری‌شهری، تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) گفته است: «به تازگی کتابی با محتوای مجموعه احادیث روایت شده حضرت عبدالعظیم (ع) از جد بزرگوارش امیرالمؤمنین به وسیله امام جواد (ع) با مضامین مختلف فرهنگی و اجتماعی در کشور یمن یافت شده که نسخه عربی آن چاپ شده و به زودی ترجمه و شرح این کتاب گرانسنگ نیز توسط مجموعه دارالحدیث تهیه و در اختیار مشتاقان علم و معرفت قرار می‌گیرد.»

مهر می‌نویسد: در آخرین جلسه هماهنگی ستاد هفته بزرگداشت ولادت حضرت عبدالعظیم (ع)، آیت‌الله محمدی ری‌شهری تولیت این آستان مقدس ضمن اعلام این خبر در رابطه با مقام والای حضرت عبدالعظیم (ع) و آثار و برکات زیارت بارگاه ایشان نیز صحبت کرد.

رئیس مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث گفت: در میان امامزادگان شخصیتی مانند حضرت عبدالعظیم (ع) وجود ندارد که نسبش با چهار واسطه به امام حسن مجتبی (ع) برسد و آن همه تجلیل و تکریم و توشیح از جانب امام معصوم شده باشد و بتواند در جایگاه امام زمان خود پاسخگوی پرسش‌های مردم باشد و زیارتش برابر با زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) تلقی شود. امام خمینی (ره) هنگامی که توفیق زیارت کربلا نصیبشان نمی‌شد در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) حاضر می‌شدند و همان اعمالی را که در کربلا انجام می‌شود در این حرم نورانی انجام می‌دادند.

سرّ این مطلب که چرا حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) شعبه‌ای از کربلاست هنوز بر ما پوشیده است و شاید هیچ زمان نیز نتوان به اسرار آن دست یافت اما وظیفه ما و متولیان فرهنگی این است که در مسیر معرفی آن حضرت و تبیین مناقب و فضائل ایشان به خصوص برای نسل جوان تلاش و کوشش کنیم.



گنجینه کربلا

گذری بر تاریخ و ارزش معماری رواق و گنبد الله وردی‌خان، یکی از باشکوه‌ترین بناهای حرم رضوی

هشت گوشه بهشتی

معمروف بوده است. سقف خارجی رواق نیز برای استحکام و محافظت با قطعات و خشت‌های مسی پوشیده شده و به‌صورت گنبدی درآمده تا از نفوذ باران و رطوبت در امان باشد». ناگفته نماند که در سال ۱۲۵۹ هجری قمری یعنی در زمان محمدشاه قاجار، استادی مشهدی به نام محمدتقی کاشی‌ساز، قسمت‌هایی از این رواق را که گویا آسیب دیده بوده، تعمیر می‌کند. علاوه بر آن قطعاتی از کاشی‌های معرق مقرنس سقف گنبد بر اثر مرور زمان و حوادث طبیعی ریخته بوده، به ویژه که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴ خورشیدی در این رواق و دارالضیافه را بسته بودند و همین سبب بی‌توجهی و تخریب معماری در این بخش شده بوده است. تا اینکه مرمت آن به وسیله چند استاد ماهر معرق‌کار اجرائی می‌شود و چون صنعت کاشی‌سازی به تکامل کنونی نرسیده بود، بیش از ۱۰ سال طول می‌کشد تا استادان آن دوره بتوانند کاشی‌های آسیب دیده را با همان نقش و کیفیت اولیه بازسازی کنند.

هشتی‌هایی که نماد عرش الهی هستند

اشراقی در پژوهش خود درباره گنبد و معماری هشتی آن نیز شرحی مفصل ارائه کرده است: «گنبد یکی



«این بنا که همزمان با مسجد «شیخ لطف‌الله» در اصفهان ساخته شده کار امیر معمار اهل اصفهان است که طرح آن به صورت کنجبرالاضلاع اجرا شده و این یکی از دلایلی است که بنا را نسبت به دیگر بناهایی که در حرم ممتاز می‌کند. نقش و کیفیت اولیه بازسازی کنند.»

از مهم‌ترین نمادهای عرفانی جهان اسلام است و نه تنها در فرهنگ اسلامی که در تمامی فرهنگ‌ها نماد کروییت و دایره است که زیباترین و کامل‌ترین اشکال است و کمال را تداعی می‌کند.

گنبد نماد آسمان و مقصد عروج انسان است، پوسته‌ای محدب که محل ورود به رواق بوده است. این بخش کاملاً مقرنس‌کاری شده و از یادگارهای هنرمندان پیشین و همزمان با ساخت بنای اصلی در عهد صفوی پا گرفته که به ایوان رضاء (ع)

الله وردی‌خان (۱۰۲۲ قمری) به پایان رسیده و خان در آن مدفون شده است. این رواق بنایی هشت‌گوش با بیرون که زیر سقف رنگین‌کمانی از رنگ‌ها و نورها را درهم تنیده و بهشتی ساخته از کاشی و نقش، که به گفته کارشناسان نظیرش را در معماری جهان اسلام کمتر می‌توان دید. در سطرهای بعدی نقبی زده‌ایم بر تاریخ ساخت و ارزش میراثی و معماری این رواق و گنبد به یادگار مانده از دوره صفوی.

زیبایی‌های بصری و ارزش معماری رواق و گنبد الله وردی‌خان

«عزیزالله عطاردی» این رواق را یکی از باشکوه‌ترین و زیباترین ابنیه آستان قدس رضوی توصیف کرده است: «شکل این بنا هشت گوش است و سقف بسیار مجلل و باشکوهی دارد که بینندگان را به خود جذب می‌کند. کاشی‌های رنگارنگ دارای خطوط و نقوش زیبا و دل‌فریب، در کمال ظرافت و استادی ساخته شده که نظیر آن در عالم کمتر دیده می‌شود و از نمایس آثار هنری است.»

البته مهدی سیدی، مشهدپژوه در کتاب «سیمای تاریخی شهر مشهد»، الله وردی‌خان را یکی از سرداران مشهور در دوران شاه عباس اول صفوی معرفی کرده و می‌نویسد: «الله وردی‌خان برای خویش در حرم مقبره‌ای ساخته، در همان سال درگذشته و در مزار مزبور نیز دفن شده است. وی به جز موقوفاتی که برای مقبره خویش داشته و اکنون از تصرف وقف خارج شده، موقوفات کرماندی را نیز در شهر مشهد وقف بر فقرای مجاور و زائر ارض اقدس رضوی کرده است...»

مرحوم «عزیزالله عطاردی» هم می‌نویسد: «الله‌وردی وقتی والی فارس می‌شود، معماری از اصفهان به مشهد می‌فرستد و این عمارت را می‌سازد که کار ساختمان آن سال ۱۰۲۱ هجری قمری پایان می‌گیرد.» این بنا از منظر رواق و گنبد دارای ارزش است. تاریخ‌نگاران آغاز ساخت بنای رواق را ۱۰۱۳ هجری قمری نوشته‌اند. کار روی این یادگار مانا بیش از هفت سال زمان می‌برد. مساحت آن ۱۷۱ مترمربع است که با کنیبه‌های فراوان زینت داده شده است. سوی این در گرداگرد آن می‌توان تاریخ ولادت و شهادت امامان معصوم (ع) را که بر سنگ حک شده به تماشا نشست.

مهدی سیدی، گنبد سایه انداخته بر مقبره را چنین توصیف می‌کند: «این مقبره که در شمال شرق گنبد حاتمخانی و شرق توحیدخانه ساخته شده، از رواق‌های بسیار هنری و ارزشمند حرم حضرت رضاء (ع) است. ساختمان بنا در سال درگذشت

نیمت‌زندگی

دعا کنیم خبر خوش برسد

رقیه توسلی | راحت ۸۰ سال را دارد. از آن پیرهای مهربان و آرام است. نگاه می‌چرخد روی گونی که پهن کرده. توی بساطش جز سبزی و ترب و کدوتنبل ندارد. بار مختصر و لبخند فراوانش، قاب چشنگی درست کرده توی پیاده‌رو. قیمت‌ها را می‌پرسم اگرچه مهم نیست و تصمیم خرید را از قبل گرفته‌ام. از آنجا که هیچ وقت این طرف‌ها ندیدمش برایم سؤال می‌شود چطور اینجا بساط کرده؟ همین می‌شود که بعد کلی دل‌دل کردن، یکدله می‌شوم بالاخره و تعجب را می‌پرسم. دست می‌برد به کلاه بافتنی سیاهش و می‌گوید: میدونی دخترچنان! بعضی آزمایشای خدا آسون نیست.

یک کم برا من بشر ضعیف، ثقیله... خلاصه خلاصه‌اش اینه که من یه نوه بی‌آزار باکمالات دارم که سر یه جا پارک بی‌قابلیت باجوون مردم بحثش میشه. اون آقا هم جوشی، اول با مشت و لگد و بعد با قفل قفرون میاد به کنتک‌کاری... نوه مشت و لگد خورده ما هُلّش میده... بنده خدا هم پرت میشه، سرش میخوره به جدول و ... بابابزرگ که دمغ شدنم را می‌ببند با همان صفا و صدای خوش ادامه می‌دهد؛ اما اینکه من چرا با بار باغم اینجا نشستم حکایت قلمبه سلمبه‌ای نداره باباجان. دیدم آشنا و ثروت و مکتن و برویایی که ندارم، با خدا عهد کردم هر وقت و بی‌وقت که شد پیام دم کوچه خانواده مقتول، طلب عفو کنم. خاکساری‌ام را ببینند بلکه از خطای ما بگذرن. آخه پسر، پنج سالی میشه مرحوم شدن. نوه‌ام جز من پیرآقا کسی رو نداره... منم که عمری نمونده برم. بازم الهی شکر. تا اوس کریم چی بخواد. تا حالا که نداشتن بهشون نزدیک بشم بلکه فرجی بشه اجازه بدن دو کلوام اختلاط کنم باهاشون. البته که پدرماد اون خدایابامر از هم زیاد حق دارن، قلبشون داغ خورده. می‌خواهم پول کدو سبزی را حساب کنم که می‌گویند: خیراته... برای جووون مردم فاتحه بخونی بی حساب میشیم.

پی‌نوشت: حضرت رضاء (ع) همیشه به اصحاب خود می‌فرمود: بر شما باد به اسلحه پیامبران. گفته شد: اسلحه پیامبران چیست؟ فرمودند: دعا.

منبر مجازی

راننده‌های جاده چالوس

شیخ حسین انصاریان: یک نفر پای منبر من بود، یک روز که از منبر آمدم پایین دیدم با گریه با من سلام علیک کرد و پرسید پدرت زنده است؟ گفتم بله. گفت اسم و مشخصات من این است. به پدرت خبر بده بگو فردا بیاید مسجد فقط می‌خواهم ببینمش... به پدر گفتم، آمد و مهدیگر را دیدند، بغل کردند و خیلی گریه کردند... به او گفتم خودت را دقیق معرفی کن ببینم شما کی هستی؟ چون پدرم با دیدن تو حالش عوض شد... حالش خیلی خوب شد... آدم خیلی باسوادی هستی؟ گفتم نه... به زحمت می‌نویسم و می‌خوانم، راننده کامیون بودم. پرسیدم الان هم پشت فرمان می‌نشینی؟ گفتم نه توانش را ندارم. شاگردی داشتم دیدم جوان خوبی است. پرسیدم زن داری؟ گفتم نه... گفتم من دختر خیلی خوبی دارم. مادر یا خواهرت را بفرست برای خواستگاری. دخترم را به او دادم. دودانگ ماشین را هم به نامش کردم. گفتم دیگر شاگردی نکن... روی ماشین کار کن هر چه درآوردی دو سهم برای خودت بردار و بقیه را هم بد خرج زندگی من... الان هم با هم هستیم... نوه دارم... زندگی خوبی داریم... توی خانه با هم رفیقیم. خواستم عرض کنم که در بین راننده‌ها هم، خدا عاشق دارد. من طی ۵۰ سال منبر رفتن به این جور راننده‌ها برخورد کردم که کنار جاده ترمز می‌کردند، نماز شبشان را می‌خواندند و یک ساعت با خدا زاز و نیاز می‌کردند. شاگرد می‌آوردند... اگر می‌فهمیدند ناهل است، بیرونش نمی‌کردند. او را توبه می‌دادند... نگهش می‌داشتند... سفر کربلا می‌فرستادند... هیچ وقت صدای خیلی از آن‌ها را که شب‌های جمعه در جاده چالوس دعای کمیل می‌خواندند یادم نمی‌رود... خدا از حال آن‌ها برای من ارث گذاشته... تربیت و ادبی اگر دارم مدیون آن‌هاست...

نه اینکه من طلبه را بنشانند و بگویند بیا تربیت کنیم، وضع رفتار و کردارشان اثرات عجیبی روی من گذاشت...



